



۲۰۱۳/۰۵/۳۱

عبدالصبور صافی

از تهاجم فرهنگی ایران جلوگیری کنید!

بخش دوم

تهاجم فرهنگی :

تهاجم فرهنگی عبارت است از تسلط بر فرهنگ یک جامعه یا به عبارت دیگر ملتی بخواهد فرهنگ رایج و غالب یک ملت را از دستش گرفته و فرهنگ خود را به آنها تحمیل کند، تا ملت مورد تهاجم گرفته شده را تحت سلطه خود آورده و بدین وسیله به آن ملت تسلط یابد و ضربان اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را در دست خود بگیرد.

هر جامعه با داشتن فرهنگ مختص به خودش زنده است و اگر فرهنگ یک جامعه از بین می رود دیگر آن جامعه اصلاً وجود ندارد وقتی می گویم "افغان"، یعنی دارای کلتور، رسم، رواج، زبان، دین، مذهب و عنعنات مختص به خودش است، اگر چنین چیز وجود نداشته باشد دیگر نمی توان آن شخص یا ملت را "افغان" نامید.....

آیا به سفارت افغانستان مقیم تهران و قنصلگری های ما در مشهد و شهر ها دیگری ایران هم اجازه چنین فعالیت های فرهنگی داده می شود؟

اگر می شود در کدام پوهنتون و یا مؤسسه علمی ایران چه نوع و به کدام سطح است؟

امروز در کانال های تلویزیون های افغانی فلم های ایرانی و آهنگ های ایرانی به نشر می رسد آیا کسی صرف یک آهنگ افغانی را هم از کانال های ایرانی داخل ایران مشاهده کرده و یا شنیده است؟ هرگز نه، اصلاً چنین چیزی نه وجود دارد و نه به آن اجازه داده می شود.

افغانستان که کشور کثیر القومی است و هر قوم ساکن در آن از حقوق خاص خود در طول تاریخ برخوردار بوده به کلتور و فرهنگ و عنعنات هر قوم احترام گذاشته شده است، شاید در بعضی موارد از تعصب هم استفاده شده باشد ولی هرگز این تعصب به اندازه ای که امروز در ایران علیه باشندگان افغان و سایر اقوام در این سرزمین بوده و است، در افغانستان نبوده و نیست.

از مدتی بدین سو از طرف دشمنان وطن تبلیغات در خصوص محکوم کردن یک قوم به تبعیض علیه سایر اقوام که اکثراً در رأس قدرت قرار داشتند صورت می گیرد، و چنین تبلیغ می شود که گویا در مورد سایر اقوام از تبعیض لسانی استفاده می نماید و مدعی اند که آزادی آنها سلب شده است. در حالیکه خود در خدمت کشور فرهنگ ستیز ایران چه آگاهانه و چه ناآگاهانه قرار دارند، و در افغانستان مبلغ اصطلاحات و زبان ایرانی می باشند، و بالای یک نام دانشگاه و پوهنتون به مبارزه برمی خیزند و از فرهنگ ستیزی ایران چشم پوشی کرده از احترام و حرمتی که پشتون ها به سایر اقوام برادر و برابر در طول تاریخ داشته شکوه و شکایت دارند، گاهی آنها را فرهنگ ستیز و گاهی هم فاشیست می نامند، آیا این دشمنان قسم خورده و وطن فروشان گاهی هم توجه به اعمال ایران داشته اند که فرهنگ ستیزی ایران چه سان و تاچه سرحد است؟

اینکه ایرانی ها به کُردها، آذری ها، ارمنی ها، کرد ها و عرب ها و غیره اقوام ساکن ایران اجازه نمی دهند که به غیر از لسان فارسی به لسان خود شان در دکان ها، مغازه ها و فابریکات صحبت کنند نادیده می گیرند. و فراموش میکنند که دولت آخوندی ایران همه اقوام غیر فارسی ایران را مجبور می سازند که باید لسان فارسی حتی لهجه ایرانی را بیاموزند. با این تعصب که هموطنان هزاره، ازبک و تاجک که از کشور ما به ایران جهت کاریابی می روند و در مدت کمتر از یک ماه جبراً لسان مادری خود را فراموش و به لسان ایرانی حرف می زنند و زمانیکه به افغانستان باز می گردند دیگر لهجه زبان مادری خویش را فراموش کرده و به لهجه و لسان ایرانی صحبت میکنند متوجه نیستند و یا نادیده می گیرند، در حالیکه خود را در افغانستان مجبور به واگذاشتن آن لهجه ایرانی نمی دانند، آیا این را چگونه توجیح میکنند؟

آیا این آزادی نیست که هزاره ها نورستانی ها پشه ئی ها ازبک ها و ترکمن ها از قرن ها به لسان خود حرف می زنند و کسی بالای آنها هیچ لسان و لهجه ای را تحمیل نکرده و نمی کند؟

آیا کسی یا مقام دولت این اقوام اقلیت را مجبور به فراگیری لسان دری و یا پشتو نموده است؟

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پاډوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نه هرگز چنین چیز نبوده، اگر در مکاتب مناطق تاجک یا ازبک نشین لسان پشتو تدریس می شود در مکاتب مناطق پشتو نشین هم لسان دری تدریس می شود این یک امر طبیعی است و باید هم چنین باشد این کار تعصب را نشان نمی دهد اما دشمنان تفرقه انداز که از آخور ایران جیره می گیرند همین راهم تعصب و غیر موجه می دانند، اصطلاحات پشتو را تحریف و اصطلاحات وارداتی تفرقه افکن ایرانی را تطور و تبهر زبان می نامند، و کشور زبان ستیز ایران را همزبان و هم فرهنگ می دانند و پشتون هایی را که در کنارشان از آزادی و نوامیس ملی دفاع کردند، دشمن خود می دانند جای بس افسوس و شرم اوراست.

واضح و روشن است که هر زبان با گذشت زمان در تکامل و تطور است که این رشد طبیعی یک زبان است و کسی مانع آن نمی تواند باشد، اما آنچه که اصطلاحات و لغت های بیرونی به جای کلمات قبول شده و اصیل زبان دری ما است به هدف یک تهاجم فرهنگی وارد ملک ما شده نگران کننده است، کاملاً مبرهن است افراد و گمناشنگانی که جهت ترویج فرهنگ ایران و اصطلاحات بیگانه موظف به تبلیغ این اصطلاحات اجنبی اند و از این طریق می خواهند بر ملت ما تسلط فرهنگی حاصل نمایند و هویت ملی ما را خدشه دار سازند و سرانجام این تسلط را به یک وابستگی اقتصادی و سیاسی تبدیل کنند و ملت ما را متفرق سازند هرگز نباید اجازه داد.

دست کشور ایران زمانی بیشتر باز شد که بوجی های دالر را در جیب زمانداران دولت افغانستان انداخت، و دهن ایشان را در برابر این تجاوزات چنان بسته کرد که اکنون از ارزش های ملی خود هم به خاطر سرخمی ای که دارند نمی توانند دفاع کنند، مصوبه شورای وزیران افغانستان که در اواخر سال ۱۳۹۱ از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد جلوگیری اصطلاحات خارجی در رسانه های تصویری و صوتی و نوشتاری کشور تصویب شد و آقای مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ در مصاحبه با تلویزیون آریانا هم در مورد به متانت و دلیری سخن گفت؛ کجاست؟

و چه وقت و در کجا جامه عمل پوشید؟؟؟

روی یخ نوشته و در آفتاب گذاشته شد، و دگر کس از تطبیق آن حرفی بزبان نمی آورد، زیرا آن دالرها که به جیب زمامداران و آقای کرزی سرازیر شده است باید ایران از رویه رویه آن مفاد حاصل کند، تا به امروز همه اصطلاحات ایرانی در تلویزیون ها و نشرات کابل به صورت قطع وجود دارد. هیچ سانسوری بر آن وجود ندارد، وقتی والی ولایت کابل کلمه «افغانستانی» را استعمال می کند از مردم بی سواد و عوام چه گلیه باشد. تصمیم شجاعانه و عاقلانه ولسی جرگه در حذف نوشتن قومیت از تذکره های الکترونیکی در ایجاد ملت سازی یک اقدام فوق العاده ارزشمند بوده و مشت کوبنده ای بر دهن عمال ایرانی که در صدد تفرقه قومی و ترویج نام "افغانستانی" است که در حقیقت افغان هارا به اقوم و تبار های مختلف تقسیم میکنند. ولی صرف حذف این کلمه کافی نیست بلکه باید در هر کارت و تذکره الکترونیکی نوشته شود «ملیت: افغان» این کار جهت ملت سازی و تبدیل همه اقوام ساکن افغانستان را به یک ملت واحد نهایت یاری می رساند.

اعتصاب غذایی که از طرف عده ای محصلین پوهنخی علوم اجتماعی مربوط یک قوم همین چند روز پیش به راه انداخته شد و در نتیجه رئیس و یک نفر استاد پوهنخی علوم اجتماعی برکنار شدند آیا حق با این محصلین بود؟ آیا این یک حرکت سیاسی و از طرف حلقهات سیاسی و تفرقه افکن و صادر شده از طرف ایران نبود؟

■ کسی در زمینه تحقیق انجام داد؟

■ اگر انجام داد نتیجه آن چه شد؟

اگر اعتصاب این محصلین برحق بود چرا اکنون هزارها محصل و استاد به نفع آن رئیس و استاد برکنار شده به تظاهرات برخاسته اند، این عمل یک سؤال را به ذهن می رساند که کی ها برحق بودند؟؟

آن ۴۵ محصل مربوط یک قوم یا حزب سیاسی، و یا این هزارها محصل و استادانی که به نفع آن رئیس برکنار شده آقای فاروق عبدالله و یک نفر استاد برخاسته اند.

آیاب ه جامعه مدنی افغانستان جای شرم نیست که بدون دلیل به قضاوت پرداخت و اعتصاب آن ۴۵ محصل که بعداً چند تن دیگر هم در جمع آن پیوست و تعداد آن به هفتاد نفر رسید را موجه خواند؟

اگر این حرف درست باشد که حق با اکثریت است پس این هزارها محصل و استادانی که امروز به نفع برکنار شدگان برخاسته اند و از هر قوم ساکن در کشور و احزاب سیاسی در آن سهم دارند را چه فکر می کنند، آیا حق با ایشان نیست؟

جامعه مدنی چطور قضاوت می کنند، به نفع کی و کدام ملیت کار می کنند، و از کجا آب می خورند؟

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

در خدمت کجا و چه کسان میباشند؟

آیا می تواند مردم زین پس این نهاد را منحيث یک نهاد بی طرف شناخته و به آن ارج بگذارد؟
به نظر من با این کار مشروعیت خویش را تحت سؤال قرار داده و تحت تأثیر آن افراد فرصت طلب تفرقه افکن قرار گرفته است.

چطور ایران توانست که نام دیپلماتان و جواسیس خود در مزار شریف را زنده نگاه کند که توسط طالبان کشته شده بودند، امروز یک جاده در شهر مزار شریف بنام آنها مسمی شده است، این در حالیست که ده ها هموطن ما که از فرط فقر و بیکاری و بیچارگی به ایران می روند و خشره کاری می کنند و در آن جا به بهانه های مختلف به دار آویخته می شوند و اجساد آنها در دشت ها و سخره ها طعمه پرنندگان می شود هیچ ارزش قابل نیستند. هموطنان باید بدانند که ایران هم مانند پاکستان هیچگاهی دوست خوب به افغانستان نبوده و نخواهد شد، باید خود و فرهنگ و بخصوص مؤسسات علمی خود را از نفوذ اعمال گوش بفرمان ایرانی ها حفظ کنیم. ومن الله توفیق

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ